

ونزویلا

سوسیالیسم

اما با رای مردم

۲ - ونزویلا - هوگوچاوز رئیس جمهوری ونزویلا بعد از فیدل کاسترو دومین شخصیت سیاسی است که از ساختمان سوسیالیسم در امریکای لاتین سخن می گوید.

انتخابات راه رشد سوسیالیستی در یکی از بزرگترین کشورهای آمریکای لاتین بعد از دمونتاژ شدن سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اروپای شرقی امر تصادفی نیست. در عین حال گویای این حقیقت است که سوسیالیسم علیرغم یک پارچه شدن جهان و پیروزی سرمایه داری در سراسر اروپا سوسیالیسم، در ذهن و شعور انسان ها چنان ریشه دوانده است که نیروهای مترقی در سراسر جهان برای رهائی از فقر و برای دست یابی به رفاه جز ساختمان سوسیالیسم (تقسیم عادلانه ثروت) راه دیگری در پیش و ندارند. در دوده دهه اخیر آمریکای لاتین در این مورد نقش پیشگامی را ایفا می کند. زیرا این قاره در نیم کره غربی چند قرن زیر سلطه همسایه شمالی، لاتی فوند های وطنی و سرمایه های کمپرادور رنج می برد. اکثریت اهالی با فقر و مسکن دست به گریبانند، برای رهائی از این در ماندگی تحت تأثیر جریانهای تند و افراطی قرار گرفته و می گیرند.

جنگ های مسلحانه و عملیات چریک های شهری در دهه های نیمه دوم قرن ۲۰ اکثریت کشورهای این منطقه را در بر گرفت. ولی در گیری های مسلحانه ثبات در این کشورها را بهم می زد، زمینه مساعد برای کودتاهای نظامی را فراهم می آورد، آزادی های سیاسی را محدود می کرد. ارتجاع حاکم با پشت گرمی آمریکای شمالی، غارتگری شرکت های آمریکا را در این کشورها تضمین می کردند.

در اواخر قرن ۲۰ وضع بشکل اساسی تغییر کرد، جنگ های چریکی در کل متوقف شد. مبارزه ای مسالمت جوانه جای آن را گرفت. در چنین شرایطی است که شخصیت های سرشناس سیاسی نقش رهبری نیروهای مترقی دموکراتیک را ایفا می کنند. توده های مردم با شرکت فعال در انتخابات راه مسالمت آمیز مبارزه را هموار می کنند. عبارت دقیق تر نیروهای ترقیخواه قدرت را بدست می گیرند و دمکراتیزه شدن جامعه آسان تر می شود.

در عین حال دایره قدرت ارتجاع محدودتر میگردد. برای حضور توده های مردم در صحنه سیاسی امکانات مساعد فراهم می شود.

چاوز یکی از این شخصیت های مترقی است که بیماری جامعه کنونی و نزویلا را بدرستی تشخیص داده و در یافته است که تنها با انتخاب راه رشد سوسیالیستی می توان بن بست سیاسی و اقتصادی را شکست و کشور را در راستای ترقی قرار داد. تصادفی نیست که توده های محروم و نیروهای مترقی با آگاهی از این واقعیت از وی حمایت می کنند. مردم در فراندوم ۲ دسامبر ۲۰۰۷ شرکت کردند تا درباره پیشنهاد او برای آینده سیاسی کشور رای بدهند. نتیجه فراندوم نشان داد که فشار تبلیغاتی همسایه شمالی - آمریکا- هنوز هم روی اکثریت مردم، بویژه دانشجویان دانشگاه ها تاثیر گذار است و سرمایه دارن وابسته نیز در این راستا فعال تر عمل می کنند. آنها توانستند عده ای زیادی از نیروهای نا آگاه را با خود

همراه کنند و با بدست آوردن دو در صد بیشتر آراء نتیجه رفراندوم را به سود کنند. اما این شکست به بمعنی شکست قطعی و واقعی چاوز و گردش به سمت سوسیالیسم در ونزوئلا و امریکای لاتین نیست. او هنوز شش سال وقت دارد تا با اجرای برنامه دموکراتیک بتواند اکثریت مطلق مردم ونزوالا را برای رفتن به سوی سوسیالیسم دموکراتیک با خود همراه سازد.

بدین ترتیب انتخابات رفراندوم گونه ۲ دسامبر در روسیه به نفع پوتین و در ونزوئلا به زیان چاوز پایان یافت. پوتین بعد از اعلام پیروزی در انتخابات دمای دولتی نام وارث ریاست جمهوری خود را اعلام کرد. این شخص "دیمتری مدودایف" معاون اول نخست وزیر روسیه و صدر شورای مدیران گازپروم است. او یکی از نزدیکترین همکاران پوتین است. پیروزی پوتین پیروزی اولیگارهای روسیه محسوب می شود و با منافع مردم روسیه ارتباطی ندارد. شکست چاوز بمعنی متوقف شدن مبارزه در راه آزادی و برابری نیست، زیرا مبارزه هم در امریکا لاتین و در سطح جهان اجتناب ناپذیر است. مبارزه ایست که میان فقر و ثروت، میان عدل و ستم، میان برابری و نا برابری .

راه توده ۱۶۱ ۱۷,۱۲,۲۰۰۷